

گونه‌شناسی اعتقادی و فقهی توسل در اسلام: مشروعیت و چالش‌ها از منظر مذاهب اسلامی

□ مظاهر حیدری *

□ عابد حسین **

چکیده

توسل به درگاه خداوند، با اسما و اوصاف الهی، و همچنین به اولیای الهی در دوران حیات و پس از وفات آنان، از زمان آغاز اسلام و حتی پیش از آن، همواره به عنوان یک رویکرد رایج و محبوب در میان مؤمنان باورمند به خداوند یگانه شناخته شده است. مثال‌های روشنی مانند توسل فرد نابینا به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و توسل عمر بن خطاب به عموی پیامبر صلی الله علیه و آله، یا توسل مردم به قبور ائمه اهل بیت علیهم السلام و دیگر بزرگان، مؤید این واقعیت هستند. سیره مسلمانان در طول تاریخ نیز بیانگر این است که ایشان همواره به این شیوه‌ها برای جلب رضایت الهی متوسل شده‌اند، چنان‌که قرآن کریم در آیه‌ای فرموده است: «وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ». با این حال، ظهور فرقه وهابیت به بروز اختلافات چشمگیری در این زمینه میان مسلمانان منجر گردید. عالمان برجسته از هر دو طیف شیعه و سنی با دلایل مستدل از مشروعیت توسل دفاع کرده‌اند. این پژوهش، که با روش کتابخانه‌ای صورت گرفته، به بررسی انواع مختلف توسل و رویکردهای دو گروه اصلی مسلمانان نسبت به این موضوع می‌پردازد و ادله‌ای را که از طرف منکرین جواز توسل مطرح شده، به نقد می‌کشد. در نهایت، این تحقیق نشان می‌دهد که ادعای انکار توسل منجر به انکار آیات الهی و احکام دینی است.

کلیدواژه‌ها: توسل، مذاهب اسلامی، وهابیت، بدعت، فقه مقارن.

* استادیار جامعه المصطفی صلی الله علیه و آله العالمية (m.heidari012@gmail.com).

** دانش آموخته کارشناسی ارشد فقه مقارن جامعه المصطفی صلی الله علیه و آله العالمية (نویسنده مسئول).

مقدمه

با وجود اشتراکات گسترده‌ای که مسلمانان در اعتقاد به یگانگی خالق جهان، هدایت الهی از طریق پیامبران، ایمان به روز قیامت و بسیاری از اصول عقیدتی دیگر دارند، اختلافاتی نیز در برخی مسائل میان آنان به چشم می‌خورد. هرچند علت این اختلاف‌ها متفاوت است، نکته‌ی حائز اهمیت این است که مسلمانان نتوانسته‌اند یکپارچگی کامل عقیدتی خود را حفظ کنند. در شرایطی که این تفاوت‌ها وجود دارد، نمی‌توان تمامی نظرات و دیدگاه‌های مختلف را به یک نسبت صحیح دانست. بنابراین، بررسی و تحقیق پیرامون این مسائل برای هر مسلمان ضروری است تا به حقیقت دست یابد.

موضوع توسل به غیر خدا یکی از همین مسائل اختلاف‌برانگیز است، به‌ویژه در میان وهابیان و دیگر مسلمانان که در مورد انواع توسل تفاوت‌های جدی و گاهی تنش‌آمیز دارند. در این راستا، وهابیان با استناد به این مسئله فضای اتهام کفر را علیه دیگر مسلمانان به راه انداخته و این موضوع را بهانه‌ای برای مباح دانستن خون و اموال آنان قرار داده‌اند. هر دو طرف تلاش کرده‌اند تا ادعاهای خود را با استفاده از دلایل قرآنی و احادیث مستند کنند و امروزه متون متعددی در این زمینه نگارش یافته است.

با توجه به آیات قرآن کریم، مانند: «با حکمت و پند نیکو به راه پروردگارت دعوت کن و با بهترین شیوه با آنان بحث کن. پروردگار تو خود دانایتر است به کسی که از راه او گمراه شده است و او آگاه‌ترین است به راه‌یافتگان»، ضرورت دارد که مسائل اختلافی نه از طریق نزاع بلکه از طریق علم و تفکر مورد بررسی قرار گیرند. در این مقاله، ما کوشیده‌ایم تا بدون کاستی، ادله و دیدگاه‌های هر دو طرف را در مورد توسل شرح دهیم و به پرسش‌هایی مانند اینکه توسل چیست، آیا توسل شرک محسوب می‌شود و آیا این عمل جایز است یا خیر، پاسخ دهیم.

قبل از ورود به بحث اصلی، لازم است معنای واژه «توسل» و انواع آن بررسی شود تا حقیقت موضوع روشن‌تر نمایان گردد. واژه «توسل» برگرفته از «وسل» است که به معنای رغبت، تقرب و ارتباط می‌باشد. وسیله به چیزی اطلاق می‌شود که انسان با واسطه آن به دیگران یا مقصدی دسترسی پیدا می‌کند (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ۱۱، ۷۲۴ تا ۷۲۵؛ فیومی، ۱۴۱۴ق، ۲، ۶۶۱؛

زبیدی ۱۴۱۴ق، ۱۵، ۷۷۴؛ جوهری، ۱۴۰۷ق، ۵، ۱۸۴۱). از نظر اصطلاحی، توسل به معنای جست‌وجو و تقرب به خدا با استفاده از اسماء و صفات الهی یا مقام‌های انبیا و اولیا است (جوادی آملی، ۱۳۹۹ش، ۸، ۲۹). طبق این تعریف، توسل به معنای قرار دادن شخص یا امری با منزلت خاص در نزد خدا به عنوان واسطه‌ای برای استجابت دعا می‌باشد.

بنابراین، توسل به هر آنچه که نزد خدا ارزشمند است، خواه شخصی والا مقام باشد یا عملی نیکو، نه تنها جایز است بلکه زیبایی و مطلوبیت نیز دارد. به عبارت دیگر، وسیله می‌تواند ابزاری برای رسیدن به اهداف مشروع، پلی برای برآورده کردن نیازها و معبری برای تحقق مفاهیم ارزشمند باشد. همچنین، این وسیله می‌تواند راه‌های مشروعی را برای خواسته‌های خاص پیشنهاد دهد و این در قالب توسل قابل ارزیابی است. از آنجا که هر چیزی که انسان را به خدا نزدیک کند، به عنوان وسیله محسوب می‌شود، اعمال نیک، ترک محرمات، دعا و توسل به یکی از اسماء یا صفات الهی و همچنین توسل به یک فرد مؤمن و صالح نیز از این دست وسایل شمرده می‌شوند (الوسی، روح المعانی، ۳، ۲۹۴).

گونه‌های توسل

با بررسی دقیق متون اسلامی، مشخص می‌شود که هیچ‌یک از دانشمندان اسلامی توسل را به‌طور کلی ممنوع نمی‌دانند. حتی ابن تیمیه، که از بزرگ‌ترین منتقدان توسل است، برخی از انواع آن را جایز می‌شمارد. توسل به‌طور کلی به سه دسته تقسیم می‌شود:

الف: توسل‌های مشروع

این نوع شامل مواردی نظیر توسل به ذات خداوند، صفات الهی، ایمان، اعمال نیک، قرآن و همچنین توسل به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در روز قیامت یا آثار و دعای ایشان و محبت به آن حضرت در زمان حیاتشان است. همچنین دعای برادران مؤمن، انبیا و اوصیا در زمان زندگی‌شان در این دسته قرار می‌گیرد.

ب: توسل‌های غیرمشروع

این نوع شامل توسل به طاغوت و بت‌ها یا توسل به انبیا و اوصیا با این باور که آنان به صورت مستقل دارای اثرگذاری هستند، می‌باشد. چنین توسل‌هایی از نظر اسلامی جایز نیست و منجر به شرک می‌شود.

ج: توسل‌های مورد اختلاف

این نوع به مواردی همچون توسل به حق پیامبر در حیات برزخی یا توسل به دعای پیامبر و آثار و اولیای الهی در دوران حیات برزخی‌شان مربوط می‌شود. بحث اصلی درباره این نوع از توسل مطرح است؛ چراکه نوع اول (توسل مشروع) مورد پذیرش تمام مسلمانان است و نوع دوم (توسل غیر مشروع) نیز بدون مخالفت بین مسلمانان جایز نیست (عابدی، ۱۳۸۳، ۲).

توجه به این گونه‌ها و تقسیم‌بندها، می‌تواند به درک بهتر مبحث توسل و نظرات مختلف در این زمینه کمک کند و به مسلمانان این امکان را می‌دهد که با تأمل و شناخت کافی به نوع مناسب توسل بپردازند.

توسل در قرآن

آیه شریفه سی و پنجم از سوره مبارک مائده، با خطاب «یا أيها الذین آمنوا اتقوا الله وابتغوا إلیه الوسيلة»، تصریح می‌کند که برای رسیدن به ذات مقدس خداوند، باید به وسیله‌ای روی آورد. این آیه، دلیلی روشن بر جواز توسل در قرآن است. در خصوص این مفهوم، علمای بزرگ آیات و روایات فراوانی را نقل کرده‌اند. برای رعایت اختصار، به برخی از نمونه‌های قرآنی اشاره می‌کنیم:

۱. قدرت اولیای الهی بر رفع مشکلات به اذن خداوند

خداوند در آیه ۱۱۰ سوره مائده، خطاب به حضرت عیسی علیه السلام می‌فرماید: «وإذ تخلق من الطین کهیئة الطیر بإذنی فتنفخ فیها فتکون طیراً بإذنی وتبریئ الأکمه والأبرص بإذنی وإذ تخرج الموتی بإذنی». در این آیه تأکید شده که حضرت عیسی علیه السلام با اذن الهی توانایی خلق و احیای مردگان و شفا دادن بیماران را داشته است.

۲. تقاضای دعا و طلب مغفرت از اولیای الهی در حیاتشان

الف: بنی اسرائیل وقتی در بیابان دچار سختی شدند، به حضرت موسی علیه السلام گفتند: «يَا مُوسَى لَنْ نَصْبِرَ عَلَى طَعَامٍ وَاحِدٍ فَادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُخْرِجْ لَنَا مِمَّا تُثْبِتُ الْأَرْضُ...». حضرت موسی علیه السلام این تقاضا را شرک ندانست و برای آنان دعا کرد.

ب: در داستان حضرت یوسف علیه السلام، برادران او پس از اذعان به اشتباهشان، نزد حضرت یعقوب علیه السلام رفته و درخواست کردند: «يَا أَبَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا...». یعقوب علیه السلام نیز ضمن قبول درخواست آنان فرمود: «سوف أستغفر لكم ربی» و آنها را امر به توبه و بازگشت نکرد.

۳. توسل به محبوبان الهی پس از رحلتشان

در آیه ۶۴ سوره نساء آمده است: «وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا». یعنی اگر گناهکاران نزد پیامبر صلی الله علیه و آله می‌آمدند و از او می‌خواستند که برای آنان آمرزش بخواهد، رحمت الهی شامل حالشان می‌شد. لازم به ذکر است که این توسل، مقید به زمان حیات پیامبر صلی الله علیه و آله نیست.

این آیات نشان‌دهنده‌ی اهمیت توسل در آموزه‌های اسلامی و تأکید بر نقش انبیا و اولیای الهی در هدایت، دعا و شفاعت برای مؤمنان است.

توسل در روایات

تعداد زیادی از احادیث صحیح بر مشروعیت توسل دلالت دارند. در ادامه به چند نمونه اشاره می‌کنیم:

۱. محمد و آل محمد علیهم السلام به عنوان وسایل تقرب به خداوند

در حدیثی از سلمان فارسی آمده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: “گرامی‌ترین و بهترین خلق نزد خداوند محمد صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام و امامانی که پس از وی می‌آیند، هستند. آنها وسایل نزدیکی مردم به خداوند هستند.” سپس فرمودند، هر کس حاجت یا نیازی دارد باید با توسل به محمد و آل طاهرش آن را از خدا طلب کند تا اجابت شود (مجلسی، ۲۲، ۹۱، ۱۴۰۳).

۲. شفایابی شخص نابینا

در کتاب “ترمذی” نقل شده است که فرد نابینایی به حضور پیامبر ﷺ رسید و از ایشان درخواست کرد دعا کنند تا او بینایی خود را باز یابد. پیامبر اکرم ﷺ ابتدا او را تشویق به صبر کردند، اما با اصرار وی، دستور دادند وضویی complete بگیرد و دعایی بخواند: “اللهم انی أسألك وأتوجه إليك بنبيك محمد نبی الرحمة...”. فرد نابینا با خواندن این دعا و توسل به پیامبر اکرم، بینایی خود را پس می‌یابد (المنقري، بی‌تا، ۱۹۳، ۴).

۳. توسل به قبر پیامبر ﷺ

روزی مروان بن حکم از کنار قبر پیامبر عبور می‌کرد و مردی را دید که صورتش را روی قبر پیامبر گذاشته و با آن نجوا می‌کند. مروان جلو رفت، دست دراز کرد و کتف او را گرفت و پرسید: “آیا می‌دانی چه کار می‌کنی؟”. آن مرد با اعتماد پاسخ داد: “بله، می‌دانم چه می‌کنم.” مروان نگاه دقیقی به او انداخت و سپس دریافت که آن فرد کسی نیست جز ابو ایوب انصاری، صحابی برجسته رسول خدا. ابو ایوب ادامه داد: “من به حضور رسول خدا آمده‌ام، نه نزد سنگ...”. این روایت نشان‌دهنده احترام و ارتباط عمیق (توسل) یک صحابی مورد اعتماد با پیامبر پس از رحلت ایشان است و پاسخ قاطعانه‌ای به منتقدان این عمل را نیز ارائه می‌دهد (ابن عساکر، بی‌تا، ۲۵۰، ۵۷).

۴. توسل به مرقد امام کاظم ﷺ

خطیب بغدادی از ابوعلی خلال (متوفی ۲۴۲ هجری) نقل می‌کند که هر زمان با مشکلی در زندگی مواجه می‌شدم، به سوی قبر موسی بن جعفر می‌رفتم و به او توسل می‌کردم. خداوند نیز حاجتم را برآورده می‌ساخت و مسئله‌ام را حل می‌کرد (خطیب بغدادی، ۱۴۲۲ه، ۱، ۴۴۲). در روایتی که از انس نقل شده، به ماجرای توسل عمر بن خطاب به عباس بن عبدالمطلب، عموی پیامبر اسلام اشاره شده است. عمر بن خطاب در زمان‌هایی که مدینه دچار خشکسالی و قحطی می‌شد، برای طلب باران به عباس متوسل می‌شد و می‌گفت: “اللهم إنا كنا نتوسل إليك بنينا وإنا نتوسل إليك بعمّ نينا فاسقنا”. به این معنا که “خداوند! هنگامی که پیامبر

در میان ما بود به او توسل می‌جستیم و اکنون به عمومی پیامبر توسل می‌کنیم؛ پس بر ما باران ببار” (الوسی، ۲۹۶، ۳، ۱۴۱۵).

از آنچه بیان شد، آشکار می‌شود که از آغاز اسلام تا کنون توسل به اولیاء الهی، چه در دوران حیات و چه پس از وفاتشان، همواره در میان مسلمانان رواج داشته است. آیت‌الله خامنه‌ای رحمته‌الله در این خصوص بیان کرده‌اند: “در میان امت اسلامی و جامعه مسلمانان افرادی هستند که با افکار نادرست، متحجرانه و خرافی خود، گرامی‌داشت بزرگان و شخصیت‌های برجسته و نورانی صدر اسلام را به شرک نسبت می‌دهند؛ این واقعاً یک مصیبت است” (khmene.ir - فیش‌های توسل، ۱۶/۰۲/۱۳۹۲).

توسل از منظر فقهایی امامیه

توسل در دیدگاه تشیع جایگاه ویژه‌ای دارد و علمای شیعه به اجماع، آن را عملی مشروع و جایز می‌دانند. با این حال، مهم است که فهمید توسل به اولیای الهی بدین معنی نیست که آنان در تأثیرگذاری مستقل هستند، بلکه همواره بر اساس اراده و قدرت الهی قرار دارد (شیرازی مکارم، ۱۳، ۱۳۸۹).

۱. امام خمینی رحمته‌الله

امام خمینی بیان می‌کنند که حق تعالی پیامبر اسلام حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل‌بیت پاک او را به‌عنوان وسیله هدایت بشر قرار داده است. برکت این بزرگواران سبب رهایی امت از گمراهی و جهالت می‌شود. همچنین، ایشان اشاره دارند که شفاعت این بزرگان جبران‌کننده کاستی‌های انسان و مقبول‌گرداننده عبادات ناقص به درگاه الهی است (همان، ۱۳۷۰، ۳۷۹-۳۸۰). امام خمینی در جای دیگری نیز نوشته‌اند که ذکر خیر اولیای الهی و شناخت آنان، پیوندی روحی ایجاد می‌کند که منجر به نجات از تاریکی‌ها و راه‌یابی به نور علم و هدایت می‌شود (همان، ۱۳۷۰، ۲۲۳).

۲. آیت‌الله بهاری همدانی

آیت‌الله بهاری همدانی بر این باور بودند که زائران باید درک کنند که ارواح مطهر اولیای الهی پس از جدایی از بدن‌هایشان به عالم قدس و مجردات متصل شده‌اند و این ارتباط موجب غلبه و احاطه بیشتر آنان بر این عالم می‌گردد. لذا، اطلاعات آنها درباره زائران کامل‌تر و جامع‌تر می‌شود. نسیم الطاف و انوار این بزرگواران بر زائران می‌وزد و در پی آن، دشمنانشان تحت تأثیر خواری قرار می‌گیرند (بهاری همدانی، ۱۳۷۶، ۶۷).

۳. آیت‌الله مکارم شیرازی

آیت‌الله مکارم شیرازی تأکید می‌کنند که توسل به اولیای خدا به معنای استقلال آنان نیست، بلکه بر اساس مقام و منزلت آنان نزد خداوند صورت می‌گیرد. ما از آنان می‌خواهیم تا مشکلات ما را به درگاه الهی منتقل کنند یا با اذن الهی به برطرف کردن مشکلات بپردازند. بنابراین، نادرست است که آنان را مستقل در تأثیر یا حل مشکلات تصور کنیم (همان، ۱۳۸۹، ۱۳). همچنین، ایشان در پاسخ به شبهه‌ای درباره شرک می‌فرمایند که معتقد بودن به توسل به بزرگان نه تنها نشانه احترام است بلکه به عنوان یک موحد واقعی شناخته می‌شود (همان، ۱۳۸۹، ۴۷).

۴. آیت‌الله جعفر سبحانی

آیت‌الله سبحانی توسل به مقربان درگاه الهی را از مسائل مسلم و مورد قبول مسلمانان در طول تاریخ می‌داند. او تأکید می‌کند که مشروعیت توسل از زمان ابلاغ شریعت اسلام تبیین شده و پس از آن، به مدت قرن‌ها مورد قبول واقع شده است. این مسئله تا قرن هشتم هجری توسط ابن تیمیه انکار شد و بعدها با تلاش‌های محمد بن عبدالوهاب این مخالفت شدت گرفت (سبحانی، ۷۲۶۰، ص ۱).

این نظرات و آراء از علمای شیعه نشان‌دهنده اهمیت و مشروعیت توسل در آموزه‌های شیعه و تأکید بر ارتباط معنوی با اولیای الهی است.

توسل از منظر فقهای اهل سنت

بسیاری از علمای اهل تسنن با نظر شیعه در این موضوع هم‌سو هستند. هرچند فرقه وهابیت همواره تلاش می‌کند مجموعه عقاید و باورهای مشترک بین مسلمانان را به عنوان موضوعی اختلاف‌برانگیز جلوه دهد و بدین وسیله زمینه تفرقه و اختلاف میان مسلمانان را ایجاد کند. در اینجا، بدون ورود به مباحث عقاید وهابیت، بخشی از دیدگاه‌های علمای اهل سنت در این زمینه بیان می‌کنیم.

۱. ابن الحاج ابو عبدالله عبد‌ری مالکی: در نوشته‌های خود چنین نقل می‌کند: اگر فرد متوفی که به زیارت او رفته‌ایم از کسانی باشد که از برکت او امید داریم، باید به وسیله او به خداوند تعالی توسل کرد. سپس به واسطه صالحان مدفون در آن مقابر برای برآورده شدن حاجات و آمرزش گناهان دعا کند. در ادامه، باید برای خودش، والدینش، مشایخ، اقوامش، اهل آن مقابر، اموات و زندگان مسلمانان، و همچنین برای فرزندان آنان تا روز قیامت و دوستان غایبش دعا کند. در این میان، به درگاه خداوند تعالی با دعا توسل نموده و این توسل را با واسطه قرار دادن آنها بیشتر کند؛ زیرا خداوند سبحان آنان را برگزیده، شرافتمند و گرامی داشته است. همان‌طور که در دنیا از وجودشان بهره‌ها برده، در آخرت این بهره‌مندی بیشتر خواهد بود.

هر فردی که حاجتی دارد باید به نزد آنان برود و به آنان توسل کند؛ چراکه آنان واسطه میان خداوند سبحان و بندگان هستند. این امر در شریعت پذیرفته شده و عنایت خاص خداوند را نسبت به آنان تأیید می‌کند. (العبدی، بیتا، ۱، ۲۵۵)

۲. حسن بن علی سقاف، که پیرو مذهب شافعی است، بیان می‌کند که توسل، استغاثه و شفاعت به پیامبر اکرم، حضرت محمد ﷺ، چراغی در تاریکی‌ها بوده و از امور مستحب مؤکد است، خصوصاً در مواقع سخت و بحرانی. علمای عامل، اولیای عابد، محدثان گران‌قدر و پیشوایان گذشته بر این امر تأکید داشته‌اند، همان‌طور که سبکی در کتابی که صاحب "فیض‌القدیر" نقل کرده است، آورده: توسل، استغاثه و شفاعت به پیامبر ﷺ تا خداوند مقبول و پسندیده است و هیچ‌کس از سلف یا خلف این امر را انکار نکرده است.

فقهای بزرگی همچون حنابله نیز در آثار فقهی خود به استحباب توسل به رسول خدا ﷺ

تصریح کرده‌اند و این امر را از امام احمد نقل کرده‌اند که آن را مستحب می‌دانست، چنان‌که در کتاب‌هایی مانند "الإنصاف فیما ترجح من الخلاف" و دیگر منابع معتبر ذکر شده است. همچنین ابن کثیر در کتاب "البدایة والنهاية" اشاره کرده که ابن تیمیه در نهایت در مجلسی که توسط علمای عامل و ربانی برگزار شد، توسل را تأیید کرد اما همچنان بر انکار استغاثه پافشاری نمود. با این حال، او در یک نوشته خاص درباره استغاثه نیز جواز آن را با پیامبر ﷺ در اموری که بر مخلوق ممکن است، پذیرفته است. (رضوانی ۱۳۹۰، ۱۰۸)

۳. آلوسی حنفی بیان می‌کند: مشکلی در توسل به خداوند با جاه و مقام پیامبر ﷺ، چه در زمان حیات و چه پس از وفات ایشان، نمی‌بینم، به شرطی که منظور از جاه، صفتی از صفات خداوند باشد. مثلاً اگر جاه به معنای محبت کامل خداوند به پیامبر باشد که باعث عدم رد درخواست و پذیرش شفاعت او می‌شود، معنی عبارت کسی که می‌گوید "بارالها، به جاه پیامبرت ﷺ توسل می‌کنم که حاجتم را برآورده سازی"، این است که "خدایا، محبت خود به پیامبرت را وسیله‌ای برای برآوردن حاجتم قرار ده". این از نظر معنا تفاوتی با این ندارد که کسی بگوید: "بارالها، به رحمت تو توسل می‌کنم که فلان کار را بر من روا داری." چرا که در این حالت نیز به معنای این است که "خدایا رحمت را وسیله‌ای برای انجام این کار قرار بده." حتی قسم دادن خداوند به جاه پیامبر ﷺ نیز با این مفهوم، بی‌اشکال است. (آلوسی، ۱۴۱۵، ۳، ۲۹۷)

این دیدگاه‌ها نشان‌دهنده تنوع نظرات در میان علمای اهل سنت درباره توسل است و تأکید بر مشروعیت این عمل در بین بسیاری از آنها دارد.

دو نکته تکمیلی در ارزیابی دیدگاه اهل سنت درباره مشروعیت توسل وجود دارد که علمای بزرگ آن را به صورت دقیق تبیین کرده‌اند:

نکته نخست اینکه؛ توسل به جاه غیر پیامبر اکرم ﷺ نیز جایز است، به شرط آنکه شخص مورد توسل دارای مقام و منزلت مشخصی نزد خداوند باشد؛ مانند اولیای الهی و بندگان صالح. در واقع معیار اصلی، قطعیت در قرب و منزلت آن فرد نزد پروردگار است. بر این اساس، بهره‌گیری از دعای آنان و واسطه قرار دادن جایگاه‌شان برای تقرب به خداوند، در دایره شرع و توحید باقی می‌ماند.

نکته دوم؛ اینکه اگر درباره مقام و منزلت فردی چنین اطمینانی وجود نداشته باشد، توسل به جاه او جایز نیست؛ زیرا در این حالت نوعی حکم ضمنی نسبت به اراده خداوند صادر می‌شود که مبنایی یقینی ندارد، و همان‌گونه که آلوسی تصریح کرده است، چنین کاری نوعی جسارت نسبت به ساحت الهی به شمار می‌رود (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۲۹۷).

۴. ابن قدامه حنبلی و استناد او به روایت العتبی

از میان علمای اهل سنت، ابن قدامه حنبلی (متوفای ۶۲۰ق) یکی از صریح‌ترین مواضع را درباره جواز توسل بیان کرده است. او در کتاب ارزشمند خود «المغنی»، در بخش آداب زیارت قبر پیامبر ﷺ، زیارت مرقد شریف را امری مستحب دانسته و روایتی از العتبی نقل کرده است:

روزی العتبی کنار قبر پیامبر ﷺ نشسته بود که اعرابی‌ای وارد شد و پس از سلام گفت: «از آیه‌ای از قرآن شنیده‌ام: وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا (نساء: ۶۴).» سپس افزود: «اکنون من برای آمرزش گناهانم نزد تو آمده‌ام، و از تو طلب شفاعت دارم تا از پروردگارم برای من طلب مغفرت نمایی.»

پس از آن، اشعاری در مدح و طهارت پیامبر اکرم ﷺ خواند.

العتبی سپس می‌گوید که در خواب پیامبر ﷺ را دید که فرمودند: «ای عتبی، آن اعرابی را دریاب و به او بگو که خداوند او را آمرزیده است.» (ابن قدامه، ۱۳۸۸، ج ۳، ص ۴۷۷-۴۷۸)

روایت فوق نشانگر این نکته اصولی و روشن است که مشروعیت توسل به پیامبر ﷺ پس از رحلت ایشان بر اساس منابع اصیل فقهی اهل سنت ثابت می‌باشد و اگر این عمل ممنوع بود، پیامبر ﷺ نه تنها اذن نمی‌داد بلکه از طریق رؤیا یا وحی، چنین رفتاری را تأیید نمی‌کرد. بعلاوه این روایت تأکیدی بر پذیرش شفاعت و توسل در ساحت نبوی از سوی خداوند دارد و نشان می‌دهد که این عمل نه تنها موجب شرک نیست، بلکه بیانگر باور به رحمت گسترده الهی است. حدیث العتبی، افزون بر بیان بُعد اعتقادی توسل، به جایگاه زیارت قبر پیامبر ﷺ

و ارزش روحی و اخلاقی آن نیز اشاره دارد؛ زیرا توسل در نگاه اهل سنت، جلوه‌ی تعظیم مقام نبوت و تأکید بر پیوند عاشقانه میان امت و رسول خداست. بنابراین هر دو مکتب شیعه و اهل سنت (به جز جریان وهابیت) در اصل مشروعیت توسل به اولیای الهی، چه در زمان حیات جسمانی و چه پس از وفات، توافق دارند.

۵. دیدگاه وهابیان نسبت به توسل

موضع فرقه وهابیت در مسئله توسل، از آغاز پیدایش این جریان تا امروز، کاملاً صریح و تند بوده است. هر فردی که به حجاز، به ویژه شهر مدینه منوره، سفر کند می‌تواند این رویکرد را از نزدیک مشاهده کند. کافی است زائری کنار مرقد پیامبر اکرم ﷺ بایستد و آن حضرت را مخاطب قرار دهد یا از او بخواهد که نزد خدا برایش شفاعت کند؛ در همان لحظه، مأموران موسوم به «امن دینی» یا «امر به معروف و نهی از منکر» عربستان با رفتارهایی ناخوشایند و گاه تحقیرآمیز، او را به شرک و کفر متهم کرده و از حرم نبوی اخراج می‌کنند.

روی منابر و در خطبه‌های جمعه نیز واعظان وهابی به تکرار بر این نکته تأکید دارند که توسل به پیامبر اکرم یا اولیای الهی مصداق شرک است، و هر کس مرتکب چنین عملی شود مستحق عذاب و محروم از بهشت است. آنان برای اثبات نظر خود غالباً به آیه ۷۲ سوره مائده استناد می‌کنند: «لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ...»

در حالی که این آیه میان شرک و باور به الوهیت مسیح تمایز می‌نهد و اساساً ربطی به توسل مشروع ندارد، مبلغان وهابی از آن برداشت نادرستی کرده‌اند که موجب خلط میان توحید و تعظیم اولیای الهی می‌شود.

هر ساله در عربستان سعودی ده‌ها جلد کتاب با تیراژ بالا و به زبان‌های گوناگون منتشر می‌گردد و در اختیار زائران یا مراکز اسلامی خارج از کشور قرار می‌گیرد. مضمون عمده این آثار تأکید بر تحریم مطلق توسل است، تا آنجا که این رویکرد به یکی از شاخصه‌های اصلی مذهب وهابیت تبدیل شده است (شیرازی، مکارم، ۱۳۸۹، ص ۸-۱۰).

ریشه تاریخی این نگرش در اندیشه محمد بن عبدالوهاب

تفکر ضدتوسل نخستین بار به صورت نظام‌مند توسط محمد بن عبدالوهاب، بنیان‌گذار فرقه وهابیت، مطرح شد. وی آشکارا نوشت که اگر فردی شبانه‌روز خدا را عبادت کند اما در کنار قبر پیامبری یا ولی‌ای سخن گفته و حاجتی از او بخواهد، در واقع دو معبود برای خود برگزیده و از یگانگی خداوند خارج شده است (التمیمی، بی‌تا، ص ۱۶۶).

از دیدگاه ابن عبدالوهاب، مسلمان حقیقی کسی است که نه تنها خود متوسل نشود، بلکه باید از کسانی که به صالحان و اولیای خدا توسل می‌جویند بیزاری جوید و آنان را کافر بشمارد. او در آثارش مدعی است: «اسلام زمانی معتبر است که مسلمان از کسانی که بین خود و خدا واسطه قرار می‌دهند، براءت بجوید و آنان را تکفیر کند.»

بر اساس همین مبنا، وی حتی ریختن خون چنین افرادی را مباح دانسته و مدعی است همه مذاهب اسلامی بر این دیدگاه اتفاق دارند که هر کس از واسطه‌ها طلب کمک کند، «کافر مرتد» محسوب می‌شود و مال و جان‌ش حلال است (شیرازی، مکارم، ۱۳۸۹، ص ۱۰).

این رویکرد در فتاوی رسمی نهادهای دینی سعودی ادامه یافته است. در برخی از این فتاوا، علمای وهابی ضمن تأیید جواز ازدواج با زنان اهل کتاب (مسیحی یا یهودی)، ازدواج با شیعیان را ممنوع دانسته‌اند و علت را چنین توضیح می‌دهند: «الشیعة المعروف عنهم دعاء أهل البيت والاستغاثة بهم، و ذلك شرك أكبر.» شیعیان به سبب دعا و استغاثة به اهل بیت شناخته می‌شوند، و این عمل شرک اکبر است.

این فتوا در «اللجنة الدائمة للبحوث العلمیه» (بی‌تا، ج ۹، ص ۱۵۹) به صورت رسمی ثبت شده است. در استفتای دیگری آمده است: «إذا كان الواقع كما ذكرت من دعائهم علیاً والحسن والحسين ونحوهم فهم مشرکون شرکاً أكبر یخرج من ملة الإسلام فلا یحل أن نزوجهم، ولا أن نتزوج نساءهم، ولا أن نأكل من ذبائحهم.»

اگر واقعاً آنان علی، حسن، حسین و دیگران را دعا کرده و از ایشان یاری می‌طلبند، دچار شرک اکبر شده‌اند و از اسلام خارجند؛ ازدواج با آنان، ازدواج آنان با مسلمانان و خوردن از ذبیحه‌شان حرام است. (شیرازی، مکارم، ۱۳۸۹، ص ۸-۱۰)

نگرش وهابیت نسبت به توسل در تضاد آشکار با اجماع تاریخی مسلمانان است. در طول قرون، علمای شیعه و سنی توسل را نه به معنای استقلال اولیاء در تأثیرگذاری، بلکه به عنوان وسیله‌ای برای قرب به خداوند دانسته‌اند. مخالفت وهابیان در واقع از تفسیر سطحی از توحید و شرک ناشی می‌شود که میان توسل مشروع و عبادت غیر خدا فرق نمی‌گذارد. این تندروی‌ها نه تنها موجب اختلاف مذهبی میان امت اسلامی شده، بلکه با آموزه‌های قرآنی در باب رحمت و شفاعت الهی منافات دارد.

شبیه و پاسخ: عمل توسل مسلمانان مشابه عمل مشرکان است

بنیان‌گذاران وهابیت و پیروان فکری آن‌ها، یکی از اصلی‌ترین ادله خود برای تکفیر متوسلان را تشابه عمل آنان با مشرکان صدر اسلام قرار داده‌اند. در استدلال آن‌ها آمده است که توسل به ذات اولیای الهی پس از وفات ایشان، تفاوتی با توسل مشرکان به اصنام و بت‌ها ندارد.

ایشان برای اثبات این ادعا به آیاتی مانند این موارد استناد می‌کنند:

۱. آیه شفاعت در سوره یونس (آیه ۱۸):

وَيَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَيَقُولُونَ هَؤُلَاءِ شَفَعَاؤُنَا عِنْدَ اللَّهِ ۚ قُلْ أَتَتَّبِعُونَ اللَّهَ بِمَا لَا يَعْلَمُ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ ۚ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ؛ و غیر از خدا، چیزهایی را می‌پرستند که نه به آنها زیانی می‌رسانند و نه سودی، و می‌گویند: «اینها شفیعان ما نزد خدا هستند!» بگو: «آیا خدا را از چیزی آگاه می‌سازید که در آسمان‌ها و زمین به او وجود ندارد؟» او منزّه و برتر است از آنچه شریک برایش قرار می‌دهند!

۲. آیه هدف قرار دادن عبادت در سوره زمر (آیه ۳):

أَلَا لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ ۚ وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَىٰ ۚ إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ فِي مَا هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ۚ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ كَاذِبٌ كَفَّارٌ؛ آگاه باشید! دین خالص از آن خداست. و کسانی که غیر از او را اولیاء (و سرپرستان) خود گرفته‌اند، [می‌گویند]: «ما آنها را فقط برای اینکه ما را هر چه نزدیک‌تر به خدا رسانند می‌پرستیم.» خداوند در آنچه در آن اختلاف

می‌کنند، میانشان داوری خواهد کرد؛ خداوند کسی را که دروغگو و کفران‌کننده است هدایت نمی‌کند.

به زعم مبلغان وهابی، کسانی که به اولیای الهی (مانند پیامبر و ائمه اطهار) متوسل می‌شوند، به‌ویژه شیعیان، باور مشابهی درباره این اولیا دارند؛ یعنی آنها را واسطه تقرب به خداوند می‌دانند و از این‌رو، عمل آنان را در ردیف عبادت بت‌ها قرار داده و حکم شرک اکبر را بر آنان جاری می‌سازند (التمیمی، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۱۵ تا ۲۰).

پاسخ مستدل به شبهه همسانی توسل و عبادت مشرکان

بررسی دقیق این آیات و مقایسه آن با آموزه‌های اسلامی در باب توسل، نشان می‌دهد که قیاس صورت‌گرفته توسط وهابیت، قیاسی مع الفارق و مبتنی بر خلط مفاهیم اساسی است. پاسخ به این شبهه در سه محور زیر خلاصه می‌شود:

۱. تفاوت ماهوی میان «توسل» و «عبادت» (تَفَرُّقٌ بَيْنَ الْوَسِيلَةِ وَالْعِبَادَةِ)

نخستین و مهم‌ترین نکته، تمایز دقیق میان توسل (شفاعت‌خواهی) و عبادت (الوهیت‌بخشی) است. در آیات مشرکان، در آیه ۳ سوره زمر، واژه کلیدی «نَعْبُدُهُمْ» (ما آنها را می‌پرستیم) به کار رفته است. مشرکان معتقد بودند که بت‌ها خودشان مستقلاً شایسته پرستش یا سبب قرب الهی هستند و اعمالشان در حقیقت عبادت آن معبودهای ساختگی بوده است. اما در دیدگاه قائلان به توسل، مسلمانان معتقد به توسل، بر این باورند که عبادت غیر خدا، شرک اکبر و حرام مطلق است. آنان هیچ‌گاه معصومین علیهم‌السلام را معبود خود نمی‌دانند و نیت آن‌ها صرفاً درخواست دعا و شفاعت از ساحت اولیای الهی است که خودشان عبد خالص خدا بوده‌اند؛ یعنی توسل، دعوت به سوی عبادت خدا است، نه عبادت واسطه.

۲. حیات اولیاء و کرامت اهل بیت علیهم‌السلام

دومین نکته، تفاوت در ماهیت واسطه است. مشرکان به جمادات (سنگ، چوب، اصنام بی‌شعور) متوسل می‌شدند که نه نفع و نه ضرری داشتند. در مقابل، اسلام بر اساس آموزه‌های

قرآنی و روایی، بر حیات برزخی اولیای الهی و شهدا تأکید دارد. قرآن کریم صراحتاً شهدا را زنده می‌داند: «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزُقُونَ» (آل عمران: ۱۶۹).

درخواست دعا از موجود زنده‌ای که مقرب درگاه خداست (مانند پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله یا امامان معصوم)، با درخواست از یک سنگ بی‌جان، قیاسی ناصحیح و غیرمنصفانه است. هیچ مسلمانی قائل به این نیست که فرد متوسل شونده، اعتقاد دارد که ولی الهی مستقل از اراده خداوند تصرف می‌کند.

۳. توصیه‌شدن برخی واسطه‌ها در قرآن کریم

نکته پایانی، نگاه قرآن به مفهوم «وسيلة» است. در حالی که قرآن مشرکان را به دلیل اتخاذ واسطه‌های باطل سرزنش می‌کند، در مورد یاران پیامبر صلی الله علیه و آله و مؤمنان حقیقی دستور به اتخاذ واسطه صحیح می‌دهد:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (مائده: ۳۵) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا پروا کنید و وسیله‌ای (تقرب) به سوی او بجوئید و در راه او جهاد کنید، باشد که رستگار شوید.

با قرار دادن این آیه در کنار آیات منع عبادت، روشن می‌شود که شارع مقدس میان وسایل مقبول (مانند ایمان، تقوا، عمل صالح، و اولیای مقربین) و وسایل مردود (مانند بت‌ها و آلهه دروغین) تمایز قائل شده است.

بنابراین، نتیجه قطعی این است که: توسل عبادت نیست و بر اساس نیت مؤمن، شرک محسوب نمی‌شود. ایمان به حیات برزخی، مقام اولیای الهی و شهیدان را متفاوت از جمادات قرار می‌دهد. در منابع دینی، انواع وسایل برای تقرب مورد تفکیک قرار گرفته‌اند؛ وسایلی که در راه اطاعت از خدا به کار روند، توصیه‌شده‌اند.

نتیجه

نتایج این پژوهش حاکی از آن است که مسئله توسل را می‌توان به سه دسته کلی تقسیم کرد:

توسل مشروع، توسل غیر مشروع، و توسل مورد اختلاف. نوع سوم، که کانون اصلی مناقشات کلامی است، شامل مواردی مانند توسل به حق پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، توسل به شخصیت ایشان در دوران حیات برزخی، و استعانت از آثار و جایگاه اولیای دین در آن جایگاه است.

وهابیت این نوع توسل را بدعت تلقی کرده و ادعای شرک یا کفر برای معتقدان به چنین توسلی را مطرح می‌نمایند؛ در حالی که این رویکرد در تناقض آشکار با شریعت قرار دارد. اکثریت علمای بزرگ، چه از جمله شیعه و چه اهل سنت، با استناد به مضامین قرآن کریم، مانند آیه‌ای از سوره مائده («وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ»)، و روایات مرتبط، از جمله توسل نابینا به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سیره اهل بیت علیهم السلام و همچنین رفتار صحابه مانند توسل عمر بن خطاب به عموی پیامبر صلی الله علیه و آله، بر جواز این نوع توسل تأکید دارند. آنان بر این باورند که توسل نه تنها دلیلی بر شرک نیست، بلکه خود، نشان‌دهنده خلوص توحیدی و اعتراف به جایگاه اولیای الهی نزد خداوند است.

در نهایت، نتایج این پژوهش فراتر از یک مناقشه کلامی صرف است؛ این نتایج نشان می‌دهد که موضع تند وهابیت در باب تکفیر متوسلان، نه تنها فاقد پشتوانه قوی در سنت اصلی اسلامی است، بلکه بزرگ‌ترین مانع در مسیر تحقق وحدت عملی میان مسلمانان محسوب می‌شود. پذیرش جواز توسل، که مورد تأیید اکثریت امت اسلامی قرار دارد، یک اصل توحیدی در چارچوب آموزه‌های قرآنی و سیره نبوی است. لذا، اصرار بر تکفیر مسلمانان دیگر صرفاً یک رویکرد فقهی نیست، بلکه تضعیف ارکان امت و ترویج تفرقه است. بازگشت به سیره اعتدالی علمای بزرگ و پذیرش تفاوت دیدگاه‌ها در این سطح، گامی اساسی برای صیانت از اصل واحد توحید عملی و تقویت پیوند اخوت اسلامی در برابر چالش‌های معاصر خواهد بود.

کتابنامه

القرآن الکریم.

- آلوسی، سید محمود، (۱۴۱۵ق)، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*، دارالکتب العلمیه، بیروت.
- ابن عساکر، علی بن الحسین، بیتا، *تاریخ دمشق*، استفاده شده از مدرسه فقهات.
- ابن قدامه، ۱۳۸۸هـ، *المغنی*، مکتبه القا هر .
- ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴، *لسان العرب*، تصحیح، میر دامادی، جمال الدین، دار الفکر بیروت.
- أبو بکر أحمد بن علی ۱۴۲۲هـ، *تاریخ بغداد*، تحقیق: بشار عواد معروف، دار الغرب الاسلامی - بیروت.
- امام خمینی، روح الله، ۱۳۷۰ هـ. ش، *آداب الصلوات*، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام علیه السلام، چاپ اول.
- بهارى همدانی، شیخ محمد، *تذکره المتقین*، انتشارات نهاوندی چاپ دوم، ۱۳۷۶.
- التمیمی، محمد بن عبد الوهاب (بی تا) *الرسائل الشخصیه* (مطبوع ضمن مؤلفات الشیخ محمد بن عبد الوهاب، الجزء السادس) المحقق صالح بن فوزان، محمد بن صالح العیلقی، جامعه الإمام محمد بن سعود، الرياض، المملكة العربیه السعودیه.
- _____، بی تا، *مجموعه موالفات محمد بن عبد الوهاب*، تحقیق عبد العزیز زید الرومی، جامعه الامام محمد بن مسعود، الرياض.
- _____، *کشف الشبهات*، ۱۴۱۸هـ، طبع الاولیف، وزار الشؤون الاسامیه و الأوقاف والدعو والارشاد - المملكة العربیه السعودیه
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۹۹ش، *توحید در قرآن تفسیر موضوعی*، اسراء.
- الجوهری، ابونصر اسماعیل، ۱۳۰۷ق، *الصحاح تاج الغه و صحاح العربیه*، دار العلم للمایین، بیروت.
- حسینی، زبیدی، محمد بن حسین، ۱۱۴، *تاج العروس من الجواهر القاموس*، دارالفکر، بیروت.
- حمیری، عیسی بن عبد الله، ۱۳۹۲ش، *درنگی در حقیقت توسل ترجمه: حسینی فاضل مرتضی* مشعر، تهران .
- الدوش، احمد بن عبدالرزاق، بی تا، *فتاوی الجنه الدائمہ للبحوث العلمیه و افتاء*، المجموعه الاولى رئاسه داره البحوث العلمیه و افتاء الرياض - المملكة العربیه السعودیه.
- رضوانی، علی اصغر، ۱۳۹۰، *وهابیت و توسل*، مشعرتهران.

سبحانی، جعفر، **التوسل**، دفتر آیت الله جعفر سبحانی، شماره دیجتالی ۷۲۶۳
_____، **توسل به اولیاء الهی**، دفتر آیت الله جعفر سبحانی، شماره دیجتالی ۷۲۶۰.
سندی، محمد عابد، ۱۳۹۰، **توسل در یک نگاه**، تصحیح و مقدمه، وهبی سلیمان غاوجی، مشعر،
تهران.

شیرازی، ناصر مکارم، **مساله شفاعت و توسل**، شماره دیجتالی ۷۳۱۸
_____، ۱۳۸۹، **توسل توحید یا شرک؟**، امام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم.
عابدی، فداحسین، ۱۳۸۳، **توسل از نگاه فریقین** انتشار در، پژوهشنامه حکمت و فلسفه
اسامی، سال سوم شماره ۱۰ (تابستان و پاییز).
العبدی، بابن الحاج، أبو عبد الله محمد بن محمد بن محمد، بی تا، **المدخل**، دار التراث العربی.
فیومی، احمد بن محمد، ۱۴۱۴ق، **المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر**، مؤسسه دار الهجرة، قم.
مجلسی محمد باقر، ۱۴۰۳ق، **بحار الانوار**، چاپ سوم، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
المنقری، نصر بن مزاحم، بی تا، **وفاء الوفاء باخبار دار المصطفی**، استفاده شده از کتابخانه
مدرسه فقاها ت .